

نویسنده : جولین میرسیل (Julien Mercile).
منبع و تاریخ نشر : گلوبال ریسرچ « 2016-09-06 ».
برگردان : پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

افغانستان ، باغ امپراتوری : چند میلیارد دالر برداشت امریکا از حاصل تریاک

Afghanistan, Garden of Empire : America's Multibillion Dollar Opium
Harvest

گلوبال ریسرچ: قسمیکه «اویاما» رئیس جمهور ایالات متحده امریکا اعلام داشت که ماجرا و مخاطر ایالات متحده امریکا در مبارزه با هیروین افغانستان به پایان خود نزدیک شده و ما تا چند سال آینده از اینکه مارا طبق ترازنامه با توجه به یکی از توجیهات قابل احترام مبنی بر اشغال افغانستان متهم میسازند و در نتیجه ما را در این مبارزه برضد هیروین ناکام و شکست خورده می پندارند راه بیرون رفت خود را در خواهیم یافت و از سوی دیگر این یک حقیقت انکارناپذیر است که افغانستان در طول تاریخ به حیث قبرستان قدرت های بزرگ متجا وزومتها جم جهان مسمی گردیده است و هیچ قدرت بزرگ متجاوز جهان نتوانسته این سرزمین را در تحت سلطه ای خود در آورد . ولی به گفته ای آگاهان سیاسی افغانستان کنونی به «باغ امپراتوری» بعد از اشغال و تهاجم امریکا و نا تو در آمده است که تولید تریاک بعد از اشغال بیشتر و بیشتر گردیده است . تولید و حاصلات تریاک در افغانستان سر به فلک نهاده چنانچه که تولید تریاک در بین سالهای (2001 تا 2007) از (185) تن به (2007) تن افزون گردید و اما امروز تولید تریاک به (3700) تن کاهش یافته است . قابل تذکر است که اکثر مفسرین و آگاهان امور چنین توضیح مینمایند که سهم و اشنگتن در از دیا د و فزونی محصولات و تولید تریاک به نسبت تقویه و بزرگنمایی نقش طالبان چشمگیر و قابل ملاحظه است و داده ها و یا ارقامی که به ارتباط تولید تریاک افغانستان پیشکش میگردد و یا ارایه شده است عمدتاً کمتر نشان داده شده است . از سوی دیگر برای آنکه و اشنگتن و نا تو به ارتباط کشت و زرع و ترافیک مواد مخدره و از دامن زدن به این ما موریت خود را بری الزمه و مبرا نشان دهند مواد مخدره را بعنوان علت اصلی شورش ترویج و تبلیغ مینمایند . موجودیت زیاد سربازان خارجی توام با حملات و تخریبات هلاکتبار بالای غیر نظامی ها در افغانستان عوامل قابل توجیهی است که در پشت سر حمایت مردم و تحمل طالبان را بیشتر میسازد آنچنانیکه در گزارش (UNODC) آمده است حاکی از آن است که کاهش تولید مواد مخدره تنها یک تاثیر حد اقل در تهدید استراتژیک شورش است چونکه

طالبان بودجه قابل توجیهی شان را که از اهداکنندگان خصوص در سراسر جهان بدست می آورند بادر نظر داشت همین دلیل پولی را که از دادوستد و ترافیک مواد مخدره بدست می آورند رقم آنرا کمتر نشان میدهند .



تریاک در افغانستان

گزارش دفتر سازمان ملل متحد به ارتباط مواد مخدره جرم و جنایت (UNODC) تحت عنوان اعتیاد، جرم، جنایت و شورش: تهدید فراملی و فرا وطنی تریاک افغانستان یک مثال خوب از نقش طالبان را از دیدگاه متعارف در ترافیک مواد مخدر فراهم میسازد و چنین ادعا میشود که طالبان در طول یکسال مبلغ (۱۲۵) میلیون دالر از دادوستد و تجارت مواد مخدر بدست می آورند و آنها به نسبت (طوفان کامل و سرازیر نمودن مواد مخدره و براه انداختن تروریزم و تخریب منابع بیشتر انرژی در آسیای مرکزی؛ UNODC) به این امر معتقد و باورمند است که طالبان در زمان زمامداری و قدرت خود در افغانستان در نیمه دوم سال (1990) از «75» تا «100» میلیون دالراز تجارت و دادوستد مواد مخدره بدست می آوردند که این رقم در سال (2005) به (125) میلیون دالر صعود نمود اگرچه که این افزایش بعنوان یک افزایش قابل توجیهی ارایه شده است ولی نقش طالبان در اقتصاد تریاک افغانستان نسبت به گذارشات که ما به آن باور داریم و یا بما رسیده است کمتر بوده یعنی که طالبان تنها سهم کوچکی نسبت به ارزش و اهمیت نقش شان را از معاملات تریاک بدست می آوردند. افزون بر آن به احتمال زیاد این پول بدست آمده از مواد مخدره برای طالبان یک منبع ثانویه بوده حالانکه حسب گزارش (UNODC) چنین تخمین زده شده است که تنها (10) تا (15) درصد بوجه طالبان

از مواد مخدره بدست می‌آید و (85) فیصد دیگر آن از منابع غیرتریاک و توسط کمک‌های خصوصی و بیرونی تامین میشود .

عاید و درآمد کل از تولید و فروش مواد مخدره افغانستان در حدود (سه) میلیارد دالر گزارش داده شده است و حسب راپور دفتر ملل متحد به ارتباط مواد مخدره (UNODC) حاکی از آنست که طالبان از این مبلغ درآمد تنها (5) فیصد دریافت مینمایند و عاید دهقانان که تریاک را بالای قاجاقچیان مواد مخدره بفروش میرسانند (20) فیصد میباشد (75) فیصد متباقی این پول به قاجاقچیان مواد مخدره (البته که القاعده طور مستقیم در تجارت مواد مخدره سهم نمیگیرد بلکه به قاجاق ناچیز مواد مخدره و قاجاق سلاح در مرز پاکستان می‌پردازد) پولیس، مقامات بلند بالای دولتی، کارگران محلی و منطوقی و کمیشنکاران تعلق میگیرند - گزارشگر با در نظر داشت شاهدان و مردم محل گزارش میدهد که تمام این گروه‌های زیدخل در دادوستد تریاک که از آنها در بالا نام گرفتیم برای مدت کوتاه در تحت حمایت امریکا و ناتو قرار میگیرند یعنی امریکا و ناتو از جمله بازیگران اصلی در تجارت مواد مخدره افغانستان میباشد .

روی همرفته با زهم از اینکه ادعا میشود که طالبان مسلح و شورشی بشکل شگفت‌انگیز و مرموز سودهای کلانی از تجارت تریاک بدست می‌آورند گمراه کننده بوده و هرگز دفتر سازمان ملل متحد رابطه طالبان را با مواد مخدره آنطوریکه بیشتر ادعا میشود تاکید نمی‌نماید بلکه اصرار دفتر ملل متحد در اینست که بعضی از افراد و گروه‌های وابسته به طالبان که در کار و با مواد مخدره مصروف اند مورد پیگرد قرار نمیگیرند و یا به آنها به نسبت اینکه در تحت حمایت امریکا قرار دارند و یا از طرف امریکا قابل تحمل اند توجه صورت نمیگیرد در اینجا چنین به نظر میرسد که این آژانس (UNODC) با وجود یکه اجندای کاری اش مبارزه علیه مواد مخدره است باز هم عملکرد اش بعنوان یک سازمان توانمند و بررسی کننده از سیاست‌های ایتلاف در افغانستان نه تنها که بسنده نیست بلکه کاملاً ناتوان است و ناتوانی این سازمان زمانی معلوم میشود که این سازمان حتی نمیتواند از مقامات دولتی نام گیرد که مستقیماً در دادوستد و ترافیک مواد مخدره در افغانستان زیدخل اند چه رسد که مقامات ایتلاف را که در دادوستد مواد مخدره در افغانستان دست دارند افشا نماید .

جریان اصلی رسانه‌ها و آگاهان امور و مفسرین آگاه اندازه و سائز صنایع و اهل حرفه مواد مخدره را مقصر میدانند آنچه که در افغانستان به نسبت اشتباه و بخطا رفتن آنها فساد تا حدی زیاد گسترش یافت و بویژه با تمرکز بروی دولت افغانستان بمثابه یک دولت مشکل‌افزین و با داشتن پولیس ناتوان توام با عدم احساس مسولیت طی سال (2001) از عملکرد ایالات متحده امریکا و ناتو تومبنی برگسترش چشمگیر از تولید مواد مخدره و حمایت همه جانبه امریکا از تعداد افراد فاسد در قدرت را میتوان تذکر داد و صریحاً خاطر نشان

ساخت که این ایالات متحده امریکا بود که در همکاری و در ارتباط با جنگ سالاران اتحاد شمال و مافیای مواد مخدره بر افغانستان تجاوز نمود به این جنگ سالاران سلاح و مهمات جنگی و میلیونه ها دالر کمک نمود و در مناسبات بین المللی به آنها از هیچ نوع کمک های دیپلوما تیکی دریغ نوزید .

نباید فراموش کرد و آن اینکه توانمند و متمول و فعال ساختن مجدد افراد را که بتوانند از زارعان تریاک مالیه دریافت نمایند و از قاچاقچیان تریاک محافظت نمایند تا جایکه منجر به از سرگیری سریع تولید مواد مخدره پس از وقفه از ممنوعت زرع تریاک که طالبان در سالهای (2000-2001) وضع نموده بودند گردد، آنچنانیکه بسیاری از ناظران بطور مستند از جمله **احمد رشید** می نویسد : تمام مامورین عالی رتبه در وزارت امور داخله افغانستان از حمایت کننده گان عمده قاچاقچیان مواد مخدره میباشند و حامد کرزی عمداً از عزل و اخراج این افراد حمایت کننده قاچاقچیان مواد مخدره از وزارت داخله خود داری نمود و از سوی دیگر آن عده از جنگ سالاران شبهه نظامی که توسط سازمان ملل متحد مرخص و خلع سلاح شده بودند اکثر فرماندهان و قوماندانان آنها در وزارت امور داخله موقوف های جدید را بدست آوردند و به حمایت دایمی شان از قاچاقچیان مواد مخدره کما فی السابق ادامه دادند و ایالات متحده امریکا نیز علاقمند آن نبود تا این قاچاقچیان مواد مخدره از مقامات و موقوف های خود عزل گردند بنا بر آن از سرزنش به فساد و از جنایتکاری آنها در آن هنگام اغماز نمود چونکه چشم پوشی از اثرات و بخش مستقیم و قابل پیش بینی از سیاست های مروج ایالات متحده امریکا میباشد که به الگوی تاریخی مدارا و حفاظت از قدرتمندان دادوستد مواد مخدره به دنبال داشته است .

نیروهای امنیتی افغان در سال (2004) یک محموله و انبار عظیم از هیروین را بار بریک لاری در نزدیکی قندهار سراغ و دستگیر کردند اما این محموله دستگیر شده حسب هدایت و امر ولی کرزی برادر ریس جمهور حامد کرزی و دستیار ریس جمهور به فرمانده نیرویهای امنیتی که حامل محموله هیروین و قاچاقچیان را در بند نزد خود داشتند امر نمودند که قاچاقچیان و موتر بار با محموله هیروین را رها نمایند و از دستگیری آنها خودداری نمایند و به آنها غرضی نداشته باشند اما دو سال بعد امریکایی ها و نیروهای مبارز ضد قاچاق مواد مخدره در نزدیکی کابل محموله بیش از (110) پوند هیروین را با عاملان آن محموله دستگیر نمودند و بعد از بررسی و تحقیق محققان ایالات متحده امریکا روشن شد که این محموله هیروین دستگیر شده به برادر حامد کرزی یعنی به احمد ولی کرزی تعلق داشت ، قابل تذکر است که ولی کرزی حسب اظهار یک مامور سابق «سی آی ای» در راس تمام آن همه افراد مهم افغانی که در معاملات داد و ستد مواد مخدره دست دارند قرار دارد و از جانبی اکنون کاملاً شناسایی شده است که مقامات رسمی ایالات متحده امریکا بصورت خصوصی و شخصی با عاملان دادوستد مواد

مخدره در افغانستان بستگی و روابط تنگاتنگی دارند چنانچه ویکی لیکس در یک کابل بازگویی خود افشا نمود که مقامات امریکایی با احمد ولی کرزی در ماه سپتمبر (2009) و در ماه فوریه سال (2010) در چندین جلسات باهم دیدار و گفتگو نموده اند حالانکه باید با احمد ولی کرزی بعنوان رییس شورای ولایتی با درک این مطلب که او بطور گسترده فاسد و یک قاچاقچی مواد مخدره میباشد برخورد صورت میگرفت و او را به نسبت اعمال ناشایسته اش محکوم به جزا می نمودند اما برعکس با او پیهم دید و بازدید مرموز و دوستانه صورت گرفته است؛ سنا تورجان کیری رییس کمیته روابط خارجی سنای ایالات متحده امریکا در یک صحبت خود چنین گفت: ما نباید احمد ولی کرزی را که برادر حامد کرزی دوست و متحد نزدیک ما است با اظهارات چند مقاله نویسنده از ارتباط جمعی سرزنش نماییم و یا به شایعات چندی دست زنیم.

باید اذعان نمود که از (65) میلیارد دالری که از فروش مواد مخدره در بازارهای جهانی بدست می آید تنها از (5) الی (10) فیصد آن («3» تا «5» میلیارد) توسط سیستم بانکی بطور رسمی متمرکز و جابجا میشود در حالیکه دو سوم («40» تا «45» میلیارد دالر) آن از طریق سیستم بانکی پول شوی شده و بدسترس قرار داده میشود پیوسته به آن (UNODC) در گزارش آخر خود چنین تخمین زده است و آن اینکه از مجموع (220) میلیارد دالر از پول فروش سالانه مواد مخدره تنها «0,2» فیصد از تمام پولهای جنایی توسط سیستم متمرکز بانکی در بانک منجمد گردیده حالانکه دولت ها باید اولویت های دیگری از تنظیم صنعت بانکداری خارج از این نمایندگی نفع اضافی بدست آرند.

سیاست ایالات متحده امریکا در مبارزه با مواد مخدره: تا سال «2005» سیاست امریکا در افغانستان به ارتباط مواد مخدره بطور کل نگران کننده و یا قابل اندیشه نبود جنرال تومی فرانکس (General Tommy Franks) جنرالی که در رأس نیروهای متهاجم ایالات متحده امریکا برای بار اول بالای افغانستان تهاجم آورد در یک صحبت خبری خود به ارتباط مواد مخدره در افغانستان چنین افاده نمود: ایالات متحده امریکا موضوع تصفیه و ممنوعیت و حل پرابلم های ناشی از مواد مخدره را به دولت و مردم افغانستان محول مینماید و ما بخود حق نمیدهیم که در این مورد به کدام اقدامی بپردازیم یعنی که ما مامور حل پرابلم های مواد مخدره در افغانستان نمی باشیم و از سوی دیگر در سال (2003) هنگامیکه از دونالد رامسفلد پرسیده شد که ایالات متحده امریکا به ارتباط تریاک در هلمند چی برنامه ای را پیش میبرد و یا چه می خواهد بکنید؟ رامسفلد گفت چون شما از من می پرسید که شما به ارتباط خشخاش در هلمند چه میکنید و یا چه برنامه دارید جواب من همین اکنون اینست که من هرگز نمیدانم! از جانب دیگر سخنگوی وزارت دفاع ایالات متحده امریکا **مجرها ریسن سارلس** (Major Harrison Sarles) در پایگاه نظامی بگرام گفت: ما یک نیروی کار برای مواد مخدره نیستیم

یا به نیروهای ما به ارتباط مواد مخدره در افغانستان کدام وظیفه مشخص سپرده نشده است یا بخشی از مأموریت نیروهای ما حل معضلات ناشی از تریاک هلمند نیست - باید اذعان نمود که اداره مبارزه با مواد مخدره (DEA) ایالات متحده امریکا در افغانستان تا سال (2003) تنها دو نمایندگی در افغانستان داشت و تا سال (2004) هیچ دفتر ویانمایدگی دیگری در افغانستان باز نکرد .

باز هم به ارتباط سیاست ایالات متحده امریکا در قبال مواد مخدره افغانستان : در اینجا دلایلی چندی قابل توضیح وجود دارد که چرا بخشی از ما مورین بلند مقام کاخ سفید و نظامیان ایالات متحده امریکا مخالفت های اولیه خود را در مبارزه با مواد مخدره در افغانستان نشان دادند : **دلیل نخست** : بعد از تجاوز به افغانستان و اشنگتن باید عملاً نشان دهد که به کشت و زرع خشخاش و به از بین بردن مزارع کوکنار و یا تخریب لابراتوار های مواد مخدره کدام کاری ندارد و یا در پی تخریب این تا سیسات نمیباشد و ضرورت آن هم دیده نمیشود که اشنگتن در این مورد به کدام اقدام مشخص مبادرت ورزد . پیوسته به آن در اواخر سال (2005) **تورن جنرال کاری آیکنبری (Genera Kari Eikenberry)** قوماندان وقت قوت های نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان به ارتباط مواد مخدره افغانستان چنین ابراز نظر کرد : مواد مخدره چیزی بد هست ؛ او در صحبت رهنمودی خود افزود که همین اکنون مواد مخدره افغانستان برای ما نظامیان که به اینجا آمده ایم کدام اولویت خاص ندارد بلکه در شرایط کنونی مهمترین و تاخیر ناپذیرترین هدف و وظیفه برای اشنگتن موضوع عراق است و آنهم به نسبت داشتن منابع نفت و انرژی از یک سو و از سوی دیگر از نظر موقعیت ستراتیژیک کشوری بس مهم در خلیج فارس . پس بادر نظر داشت این اصل عراق کشوری است که برای اشنگتن اولویت خاص دارد .

دلیل دوم : بسیاری از متحدان و دوستان محلی افغانی ایالات متحده امریکا که در قاچاق و ترافیک مواد مخدره بخاطر کسب پول و قدرت و مقام بینهم درگیر و در مخالفت اند و اینها تمام پولی را که از دادوستد مواد مخدره بدست می آورند آیا برای اشنگتن لازم پنداشته میشود که به تخریب و از بین بردن مزارع خشخاش و انهدام لابراتوار های مواد مخدره که منبع درآمد دوستان ما میباشد دست بکار شود و مانع کسب سود و نفع متحدان خود گردد و آیا اگر ایالات متحده امریکا به تخریب مزارع و لابراتوار های مواد مخدره دست بکار شود این خود به عملیات های نیروها ما و دوستان جنگ سالار ما که بخاطر ما جنگ نیابتی در افغانستان مینمایند ضربه مستقیم نخواهد بود و یا آنطوریکه دیپلمات های غرب صریحاً خاطر نشان میسازند که دوستان جنگ سالار ما بدون از فروش مواد مخدره پول از کجا بدست آورند که به شبهه نظامیان مبارز خود معاش ماهوار بپردازند پس منبع خوب درآمد برای آنها همین دادوستد مواد مخدره است که هزینه

ادامه مبارزه شان را فراهم میسازد در این مورد جیمز رایزن (James Risen) توضیح و تصریح مینماید که چرا پنتاگون وقصر سفید از بمباردمان بمب های (25) تنه و امکانات و تسهیلات انتقالات مواد مخدره که سازمان سی آی ای (سیاه) در سال (2001) در نقشه خود آن را نشانی کرده بود پفره رفت باز هم بطور مشابه در سال (2005) به تقاضای اداره مبارزه با مواد مخدره (DEA) از (26) درخواست آن اداره صرف سه درخواست را پذیرفت و از (23) درخواست دیگر آن نهاد سر با زرد در این مورد باریت روبین (Bernett Rubin) نگرش ایالات متحده امریکا را در قبال مواد مخدره افغانستان طور فشرده چنین افاده مینماید: وقتی که من با وزیر دفاع ایالات متحده امریکا آقای رامسفلد از افغانستان بازدید بعمل می آوردم رامسفلد با شخصی که تعداد از فرماندهان افغانی او را پدر مافیای ترافیک مواد مخدره می شناختند ملاقات نمود رامسفلد در این دیدار بطور بسیار ساده به او تفهیم نمود و به او گفت اگر شما میخواهید که بر علیه طالبان بجنگید ما شمار اجازه میدهیم که تریاک و یا هیروین را به هر جا که میخواهید انتقال دهید و ما در این مورد برای شما هیچ نوع موانع را خلق نمی نمایم و این خود نشان میدهد که افسران نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان از پیگرد عاملان دادو ستد مواد مخدره چشم پوشی نموده و فعالیت های آنها را نادیده می گرفتند چنانچه در این زمینه یک افسر کلاه سبز پوش امریکایی به زیر دستان خود هدایت میدهد که هرگاه در هنگام گشت زنی کسی و یا کسانی را که هر وین و یا تریاک را با خود به جای حمل می کردند و یا در نزد آنها تریاک و یا هیروین را در می یا بید به آنها عرض نگیرید و آنها را آزاد گذارید که هر چه میخواهند بکنند. از سوی دیگر در یک گزارش سنای ایالات متحده امریکا تذکر بعمل آمده است که نیروهای نظامی ایالات متحده امریکا در افغانستان مانع کار و بار عاملان دادو ستد مواد مخدره نمیشوند و یا در فعالیت های آنها تداخل نه نموده و باعث اخلاص فعالیت های آنها نمیشوند از این گفته ها چنین نتیجه میگیریم که خود اداره مبارزه با مواد مخدره امریکا در تقویه سرکردگان ترافیک مواد مخدره نقش ارزنده ای دارد.

دلیل سوم: وزارت دفاع چنین می اندیشید که با تخریب مزارع تریاک بخاطر بدست آوردن دل و دماغ افغان ها زمینه رنجش خاطر دهاقین و کشا ورزان تریاک فراهم خواهد شد واقیعت چنین بود که طالبان بعد از سال (۲۰۰۱) بخاطر از بین بردن خفگان و خشم زارعین خشخاش به نسبت قدغن قرار دادن زرع تریاک و یا از بین بردن مزارع تریاک دست به اقدامات تلافی جویانه زدند همان بود که در هلمند زارعین که مزارع خشخاش شان از بین برده شده بود آنها را در تحت حمایت قرار دادند و در قندهار به دهاقین که به آنها به نسبت تخریب مزارع تریاک صدمه رسیده بود به آنها کمک های مالی از طرف دولت صورت گرفت - لذا این کاملاً دور از حقیقت است که گفته شود با از بین بردن مزارع خشخاش بغاوت و شورش شورشیان تضعیف میگردد حالانکه برعکس با

اجرای عملیات ها توسط نیروهای ناتو تعداد مخالفین چند بار بیشتر میگردد چنانچه یک تحلیلگر و آگاه امور در این مورد چنین افاده مینماید: هر آنقدر که دامنه جنگ وجدل توسط نیروهای نظامی خارجی و افغان ها در مقابل مخالفین شدید گردد به همان اندازه زمینه جلب و جذب بیشتر مردم به صفوف طالبان بیشتر میگردد .

از سال (2004) به بعد اداره مبارزه با مواد مخدره (DEA) طبق اجندای از قبل طرح شده توسط ایالات متحده امریکا تدریجاً بکار و فعالیت خود در افغانستان آغاز بکار کرد و واشنگتن در سال (2005) اولین طرح ستراتیژی مبارزه با مواد مخدره را برای افغانستان پیشکش نمود که این ستراتیژی مبارزه علیه مواد مخدره مشتمل از پنج ماده یا ارکان توسعهی شامل **یک**: حذف و ریشه کن سازی **دو**: ممنوعیت **سه**: اصلاحات سیستم قضایی و عدلی **چهار**: اطلاعات عمومی **پنج**: معشیت بدیل «گرچه این ارکان توسعهی با هم یکسان نبود توسعه جاگزینی یا معشیت بدیل نسبتاً نادیده گرفته شده ولی به ریشه کن سازی ارجحیت و یا اولویت داده بود) میباشد دولت افغانستان این ستراتیژی را در سال (2006) بخاطر کنترل مواد مخدره به حیث ستراتیژی ملی خود قرارداد که بعداً یعنی در سال (2008) این ستراتیژی را با ادغام بعضی از ضمایم و اضافات و کاستی ها کامل و تازه ساخت چونکه تا حوالی سال (2005) عملیات ضد مواد مخدر تا هنوز از مرز ستراتیژی ضد شورش جدا بود و از جانبی هم چنان پنتاگون هرگز در ابتدا به ارتباط درگیر شدن احتمالی در ما موریت مبارزه با مواد مخدره آغاز به تفکر نه نموده بود و در این مورد کدام رهنمود جدید و یا کدام مجوزی برای ارتش صادر نه نموده بود که ارتش در پرتو آن مجوز با پروازهای هلیکوپترها و هواپیماهای باربری خود مواد و یا مستحضرات دوائی ضد مواد مخدره را طبق برنامه قبلی انتقال و بر اهداف اشکار عملیات خود را بسر میرسانند ، و یا اینکه شماری از واحدهای مبارزه برضد مواد مخدره را در نقاط معین جا بجا میساخت تا آنها به ما موریت خود می پرداختند از جمله نیروی کاری شماره «333» (یک تیم مخفی از اجنت های خاص) و یا نیروی محو مرکزی خشکاش و یا هم تیم افغانی تربیه شده توسط یک پیمانکار خصوصی امریکایی بنام (Dyncorp) که با هزینه و مصرف «50» میلیون دالر در تحت نظارت ایالات متحده امریکا با معرفی وزارت امور داخله افغانستان آموزش دیده بودند و از سوی هم که واشنگتن با جنرال محمد داود در ارتباط و تماس تنگاتنگ بود یک جنرالی از جمله جنگ سالاران سابق شمال که مصروفیت او تراقیک مواد مخدره بود و احتمال بروز هیچ کدام پر ابلم هم قابل تصور نبود .

از سال (2007) به بعد ایالات متحده امریکا مبارزه اش را علیه مواد مخدره تشدید نمود و این تلاش های روز افزون خود را با تبلیغات ضد شورش بیشتر نزدیک و هماهنگ ساخت بخصوص که واشنگتن در سال (2008) به تغییر قواعد در دست داشته خود

پرداخت و به سربازان خود در افغانستان اجازه داد تا در کنار نیروهای افغانی یکجا قاچاقبران مواد مخدره و شورشیان و تروریست هارا تحت نظارت و پیگرد دقیق خود قرار دهند و به سربازان شان دستور و مجوز صادر نمود که در عملیات های ضد مواد مخدره که در تحت نظارت افغان ها و نیروهای امریکایی صورت میگیرد سهم فعال گیرند که این مجوز از طرف «ناتو» نیز پذیرفته شد و سازمان (ناتو) به اعضای تحت نظر خود نیز اجازه داد که در این ماموریت ممانعتی و یا ضد کشت و زرع و ترافیک مواد مخدره اشتراک نمایند .

از سال (2009) به بعد استراتژی اداره « اوباما » به ارتباط ریشه کن کردن تریاک از حمایت خود به نیروی محو مرکزی افغان در راه تخریب و از بین بردن لابراتوار های هیروین بیشتر مربوط به شورشیان مواد مخدره دست کشید یا به عباره ساده : اداره اوباما به نظامیان خود در افغانستان هدایت داد که نهاد نیرو مرکزی محو افغانی را که میخواهند لابراتوار های هیروین مربوط طالبان را تخریب و یا از بین می برند بر حمایت از آن نهاد نباید تاکید شود و طبق مندرجات مجوز داده شده در حصه خود اجرات نمایند در این مجوز نامه استراتژی اداره اوباما همچنین تذکر داده شده است که منسوبین نظامی برخورد مشا به را دروستاها نیز در نظر داشته باشند که نباید به ریشه کن کردن تریاک بپردازند چونکه ریچارد هولبروک (Richard Holbrook) در این مورد گفته بود که محوه و یا ریشه کن کردن تریاک در واقعیت امر (اتلاف و یا ضیاع پول) است و آن به این مفهوم که کشاورزان تریاک را با تخریب چند هکتار مزارع تریاک از خود راندن است و این عمل به هیچوجه حتی تا یک دالر هم به منافع طالبان مضرواقع نمیشود بلکه برعکس از طالبان به جز از حمایت و پشتیبانی کردن چیزی دیگری نمیتواند باشد . همچنان چیزی دیگر قابل تذکر اینکه اداره مبارزه با مواد مخدره ایالات متحده امریکا (DEA) تعداد اجنسیهای خود را از (13) اجنسی به (80) اجنسی در سال (2011) افزایش داد و در پهلوی آن پنتاگون با نیروی کاری بین الاداری - اداره یا دفتر مشرک را در قندهار ایجاد نمود تا این ادیره نو بنیاد در پشتیبانی و در هماهنگی با هم اطلاعات موثق را به اختیار فعالین ممانعتی اداره مبارزه با مواد مخدره (DEA) و به اختیار فعالین عملیات ضد شورش ایساف (ISAF) قرار دهند یعنی به فعالین ایساف که در ارتباط با تجاران مواد مخدره اند تا آنها ماموریت خود را به وجه احسن به پیش ببرند .

رویه مرفته در اینجا یک پرسشی قابل توضیح در ذهن انسان خطور میکند که چرا ایالات متحده امریکا بصورت ناگهانی به تشدید مبارزه علیه مواد مخدره در افغانستان دست بکار شده است ؛ اگرچه چنین بحث تا حدودی بشکل احتکار آمیز باقی مانده است و آن اینکه در پی این بحث بعضی از دلایل و پرابلمهای احتمالی ممکن وجود داشته باشد که باگذشت زمان با از میان برداشتن آن پرابلم ها شده میتواند که برای تکامل استراتژی

مبارزه با مواد مخدره تا حدی کمک نماید که یکی از آن دلایل و مشکلات که باید از سر راه مبارزه با مواد مخدره برداشته میشد استعفی رامسفلد وزیر دفاع ایالات متحده امریکا از مقام وزارت دفاع در سال (2006) بود که صورت گرفت البته که رامسفلد یگانه شخصی بود که شدیداً به دخالت نظامی در کنترل مواد مخدره مخالفت خود را در افغانستان نشان میداد چنانچه که اوسهم خود را در خروج از مقام وزارت دفاع آنچنان به تصویر کشید مثل آنکه کسی مسیر دریا را تغییر دهد و آن به این مفهوم که بعد از او توجه قابل ملاحظه در مبارزه علیه مواد مخدره مبدول گردید اگرچه در پهلوی آن تغییر ستاف و کارمندان را در هنگام توضیح خطوط سیاست کلی کم اهمیت جلوه دادند اما واقعیت امر چنین است که این نه تنها آقای رامسفلد به حیث وزیر دفاع ایالات متحده امریکا مخالف عملیات های نظامی علیه عاملان مواد مخدره در افغانستان بود بلکه بعد از او با دلایل روشن ستراتیژیک معلوم شد که خود دولت ایالات متحده امریکا در مبارزه با مواد مخدره از مداخله نظامی در سال های بعدی صرف نظر نمود و خواست که در مبارزه با مواد مخدره عملیات های نظامی را در افغانستان شدت بخشد .

فشار کنگره نیز بعنوان یک دلیل مشخص شد و این فشار سیاسی در نهایت امر منجر به آن شد که پنتاگون و سازمان (سی آی ای) با هم توافق نمودند و با این واقعیت را پذیرفتند که مصارف و هزینه شورشیان از داد و ستد مواد مخدره تامین میشود و این موضوع در ستراتیژی مبارزه با مواد مخدره در سال (2005) تایید و تصویب شد .

یک میزبان منتقد به ارتباط اقدام و اجراءات بیشتر در پرتو محصولات نسبتاً زیاد اوپیوم سال (2004) افغانستان در رسانه ها بگونه مثال خاطر نشان ساخت که هنری هاید ایلینوس (Henry Hyde Illinois) جمهوریخواه صریحاً اظهار داشته که در این برهه زمانی ضرورت یک اقدام نظامی علیه تفاله و انبارهای تریاک و از بین بردن لابراتورهای مواد مخدره دیده میشود و آن اینکه اگر نظامی ها در این مورد درگیر نشوند و یا در از بین بردن انبارها و لابراتورهای مواد مخدره مداخله نه نمایند در آن صورت وقت آن خواهد رسید که ایالات و متحده امریکا بخاطر حل معضله متذکره از جاهای دیگر و یا از ترکیه سربازان خود را به افغانستان اعزام نماید - دموکرات ها نیز در توافق به مطلب فوق نیز بالای مقامات زیربط وقتاً فوقتاً انتقاد نموده اند مثل جان کیری (John Kerry) که در زمان زمانه مداری بوش بر او انتقاد نمود که او یعنی آقای بوش چرا در از بین بردن و امحای تریاک افغانستان مساعی لازم را بخرج نداد .

چنین توضیح ممکن است از نقطه نظر عوامل و علل زودرس و فوری درست باشد و آن اینکه فشار و مناظرات کنگرس به جاسازی این موضوع در اجندای مامورین و آگاهان امور سیاسی و یا سیاستمداران و در ایجاد پوشش رسانه ها تا حدی کمک نموده باشد. بهر صورت آنها این پرسش را طرح مینمایند که چرا در قدم نخست به مساله

مواد مخدره در محافل دولتی تماس صورت نمی‌گیرد و پیرامون آن به بحث و توضیح نمی‌پردازند چنانچه بعضی‌ها به این باور و نظر اند و یا چنین وانمود می‌سازند که مزارع کوکنار در افغانستان باید حذف و منفجر گردد و بالای ایالات متحده امریکا فشار آورده شود که در مورد معضله تریاک افغانستان به اقدامات لازم بپردازد بگونه مثال احمد رشید در اشاره به این موضوع خاطر نشان می‌سازد که در سیاست ایالات متحده امریکا از سال (2005) به بعد چطور و چرا بیشتر بالای مواد مخدره تاکید صورت می‌گیرد و یا موجب نگرانی آن‌مقام گردیده است؟ جواب ساده است و آن اینکه این یک بخشی از یک واقعیت انکارناپذیر است که کشت و زرع و ترافیک تریاک و مواد مخدره در افغانستان از کنترل مقامات زیدخل بیرون شده است؛ آنچنانیکه این موضوع به همه اشکار شده است از سوی دیگر از اینکه ایالات متحده امریکا در این مورد به کدام اقدام دست نزده و یا دست نمی‌زند شاید که از نظر عامه استطاعت آنرا نداشته باشد حاصلات فراوان سال (2004) تریاک در افغانستان باعث شرم و خجالتی و اشنگتن ولندن گردید و آنها را واداشت که موضوع تریاک را در افغانستان جدی بنگرند چونکه وسعت زمین‌های قابل زرع تریاک در همان سال تا (64) درصد افزایش یافت و برای بار اول دامنه‌ای کشت تریاک در (34) ولایات افغانستان گسترده شد و بطور مشابه تولیدات تریاک از (6100) تن در سال (2006) به (8200) تن در سال (2007) افزون گردید که این خود بالاترین رقمی تولید تریاک در افغانستان است که تا اکنون ثبت شده است یعنی که افغانستان همین اکنون (93) فیصد هیروین جهان را دارد، این افزایش نگران کننده نجومی تولید تریاک سالهای (2006) و (2007) افغانستان را دفتر سازمان ملل متحد برای مواد مخدره و جرایم (UNODC) به اطلاع عموم رسانید که نباید در مقابل آن چشم‌پوشی و اغماز صورت گیرد.

با دید خاطر نشان ساخت که احتمالاً در تفسیر و تفصیل این موضوع حقایقی چند وجود داشته باشد تا جایکه حتی اگر کنترل مواد مخدره احیاناً هدف ایالات متحده امریکا هم نباشد گفتگوها که در پیرامون این مساله ایجاد شده است یک نیروی خاص خود را خلق کرده و آن اینکه وقتی گسترش دامنه کشت خشخاش در افغانستان به یک نقطه‌ای میرسد که چشم‌پوشی از آن در آن موقع مشکل خواهد بود و اشنگتن ناگزیراً مجبور خواهد بود که در ظاهر امر به برخی از ژست‌ها و اقدامات توسل ورزد و در غیر آن تصویر خود را بعنوان یک دولت ظاهراً با خطرات ناشی از مواد مخدره لکه دار خواهد دید.

در مجموع در حالیکه از سال (2001) تا سال (2005) موضوع مواد مخدره بر احوال برخی و یا قسمتی از اجندای کاری ایالات متحده امریکا در افغانستان نبود بلکه بعد از سال (2005) پیرامون مبارزه علیه مواد مخدره به بحث و به بگو مگوهای روز برای خود جای پا پیدا نمود یعنی که ضرورت آن احساس شد که به ارتباط مواد مخدره

بحث و گفتگو صورت گیرد و عملیات های بیشتر در مبارزه علیه مواد مخدره براه انداخته شود ولی بهر صورت این بدان مفهوم نبوده که ایالات متحده امریکا به انجام ویا بسر رساندن یک جنگ واقعی علیه مواد مخدره نزدیک تر شده است ویا به عباره دیگر این تشدید ما موریت نظامی در مبارزه بامواد مخدره نبوده که بیا نگر یک جنگ واقعی علیه مواد مخدره باشد بلکه پیاده سازی ویا بکار انداختن استراتژی های شناخته شده بخاطر کاهش مشکلات مواد مخدره بوده است و نه در مورد قلع و قمع بخودی خود مواد مخدره. به این صورت واشنگتن در مبارزه علیه مواد مخدره در افغانستان شکست خورده است؛ افزون بر آن ایالات متحده امریکا به حمایت از متحدان خود که در دادوستد و ترافیک مواد مخدره دست دارند ویا دخیل اند به کمک های همیشگی خود دوام داده و تا حال دوام میدهد آنچه نیکه «اوباما» در یک صحبت خود صریحاً خاطر نشان ساخت که جنگ مواد مخدره خود ابزاری در مبارزه با شورشیان است و نه در مورد از بین بردن مواد مخدره، در واقع اداره «اوباما» در سال (2009) برخورد ویا رویکرد جدیدی به ارتباط مواد مخدره ارایه نمود و این رویکرد را به تفصیل شرح داد و لست تقریباً از (80) قاچاقبران عمده ترافیک مواد مخدره را ترتیب داد که آنها هزینه و بودجه شورشیان را فراهم میسازند که باید آنها یعنی این (50) نفر قاچاقبران مواد مخدره را که به طالبان کمک مینمایند توسط نظامیان خود بقتل رساند ویا آنها را دستگیر نماید و تاکید صورت گرفت که اگر این قاچاقبران حمل و نقل مواد مخدره طالبان را از نظر مالی کمک نمایند باید تحت تهاجم قرار گیرند ولی اگر آنها نیروها دولتی را کمک نمایند در آن صورت ظاهراً باید آنها را آزاد گذاشت - این گفته خود چنین نشان میدهد که جنگ مواد مخدره دشمنان را نشانی میکند یا جنگ مواد مخدره بخاطر نشانی کردن دشمنان است .

----- با تقدیم احترامات 2016-09-13